یادداشت

ترازنامه مسئولیت در اقتصاد الگوریتمی

حمیدکردبچه
صاحب‌نظر حوزه اقتصاد دیجیتال

یکی از پیامدهای گسترش هوش مصنوعی در فعالیت‌های اقتصادی و اداری، تغییر رابطه میان قدرت تصمیم‌گیری و مسئولیت پیامدهای آن است. الگوریتم‌ها به تدریج در ارزیابی اعتبار مشتریان، انتخاب نیروی انسانی، تخصیص منابع و ارائه خدمات عمومی و صدور یا ابطال مجوزها نقش بیشتری پیدا می‌کنند، اما سازوکار پاسخ‌گویی متناسب با این تغییر هنوز شکل نگرفته است. در چنین شرایطی، ممکن است یک تصمیم بر زندگی و فرصت‌های اقتصادی افراد اثر بگذارد، بدون آنکه مسئولیت آن به‌روشنی متوجه بازیگر مشخصی باشد. برای مثال، وقتی بررسی امکان صدور یک مجوز فعالیت کسب‌وکاری بر مبنای سامانه هوشمند بررسی درخواست متقاضی را رد می‌کند، سازمان متولی ارائه خدمت ممکن است به امتیاز محاسبه‌شده توسط مدل استناد کند، شرکت فناور توسعه‌دهنده مسئولیت را متوجه مشخصات اعلام‌شده از سوی کارفرما بداند و کارمند نیز صرفا مجری خروجی سامانه باشد. در این فرایند، تصمیم گرفته شده و پیامد اقتصادی آن نیز واقعی است، اما مسیر پاسخ‌گویی میان چند بازیگر توزیع شده است. مسئله را می‌توان «گم‌شدن مسئولیت در اقتصاد الگوریتمی» نامید.

این وضعیت صرفا ناشی از پیچیدگی فناوری نیست، بلکه به تغییر ماهیت تصمیم‌گیری مربوط می‌شود. الگوریتم‌ها دیگر فقط ابزار پردازش اطلاعات و اجرای دستور نیستند؛ آنها در تعیین اولویت‌ها، محدودکردن گزینه‌ها و تخصیص فرصت‌ها نیز نقش دارند. در نتیجه، بخشی از قدرتی که پیش‌تر در اختیار مدیران و کارشناسان بود، به ساختارهای محاسباتی منتقل می‌شود.

یکی از نکات مهم در این تحول، تصور بی‌طرفی الگوریتم‌هاست. خروجی یک مدل ممکن است از دقت آماری بالایی برخوردار باشد، اما این ویژگی به معنای بی‌طرفی آن نیست. انتخاب داده‌ها، متغیرهای اثرگذار، معیار موفقیت و میزان خطای قابل قبول، همگی پیش از اجرای الگوریتم و به وسیله انسان تعیین می‌شوند. بنابراین، یک مدل ممکن است از نظر فنی عملکرد موفقی داشته باشد، اما هدفی را دنبال کند که از منظر اقتصادی یا اجتماعی مطلوب نباشد. در نتیجه، ارزیابی کیفیت تصمیم‌های الگوریتمی باید علاوه بر دقت فنی، هدف‌گذاری و پیامدهای اقتصادی آنها را نیز در بر گیرد.

این مسئله با گسترش کاربرد هوش مصنوعی در سازمان‌ها اهمیت بیشتری پیدا می‌کند. در ساختارهای متعارف، معمولا امکان شناسایی مدیر، واحد یا کارشناس مسئول یک تصمیم وجود دارد، اما در سامانه‌های الگوریتمی، نتیجه حاصل تعامل چندین بازیگر است؛ سازمان سفارش‌دهنده، شرکت فناور توسعه‌دهنده، تأمین‌کننده داده، طراح مدل و واحد بهره‌بردار. هرکدام بخشی از فرایند را کنترل می‌کنند و ممکن است در زمان بروز خطا، مسئولیت را به حلقه دیگری منتقل کنند.

در چنین شرایطی، فاصله میان محل تصمیم‌سازی و محل تجربه پیامد افزایش می‌یابد. طراح مدل با داده و شاخص آماری مواجه است، مدیر با گزارش عملکرد و اپراتور با خروجی سامانه سروکار دارد، در حالی که فرد متأثر از تصمیم، هزینه واقعی آن را پرداخت می‌کند. این فاصله را می‌توان نوعی فاصله شناختی در اقتصاد الگوریتمی دانست؛ وضعیتی که در آن، تصمیم‌ساز به تدریج از واقعیت پیامد تصمیم خود دور می‌شود.

مفهوم «منطقه مچاله اخلاقی» (Moral Crumple Zone) که مادلین الیش در مطالعات خود درباره سامانه‌های خودکار مطرح کرده است، بخشی از همین مسئله را توضیح می‌دهد. در این وضعیت، هنگام بروز خطا در یک سامانه پیچیده، مسئولیت ممکن است به فردی منتقل شود که در نزدیک‌ترین سطح عملیاتی قرار دارد؛ فردی که نه در طراحی سامانه نقش تعیین‌کننده‌ای داشته است و نه اختیار کافی برای تغییر تصمیم آن. به این ترتیب، مسئولیت در سطح اجرا متمرکز می‌شود، در حالی که قدرت تصمیم‌سازی در سطوح بالاتر قرار دارد. با ظهور سامانه‌های عامل‌محور هوش مصنوعی، این مسئله از تصمیم‌های پیشنهادی فراتر می‌رود. این سامانه‌ها می‌توانند علاوه بر تحلیل اطلاعات، مجموعه‌ای از اقدامات را برنامه‌ریزی و اجرا کنند و با سامانه‌های دیگر تعامل داشته باشند. در چنین شرایطی، اتکا بر این فرض که تصمیم نهایی همواره توسط انسان گرفته می‌شود، برای تعیین مسئولیت کافی نیست. باید مشخص شود انسان در کدام مرحله اختیار مداخله داشته و آیا امکان توقف، اصلاح و بازبینی تصمیم را در اختیار داشته است.

برای اقتصاد ایران، این تحول از دو جهت اهمیت دارد: نخست، سازمان‌ها و دستگاه‌های اجرائی به منظور کاهش هزینه و افزایش بهره‌وری، انگیزه بیشتری برای خودکارسازی فرایندها خواهند داشت. دوم، در محیط‌هایی که کیفیت داده، شفافیت فرایندها و سازوکارهای نظارتی با محدودیت مواجه است، استفاده از الگوریتم‌ها می‌تواند خطاهای موجود را در مقیاس بزرگ‌تری بازتولید کند. بنابراین، دیجیتالی‌شدن فرایندها بدون اصلاح مبانی تصمیم‌گیری، الزاما به بهبود کیفیت مدیریت منجر نمی‌شود.

از سوی دیگر، اگر امکان توضیح و اعتراض به تصمیم‌های الگوریتمی وجود نداشته باشد، پیچیدگی فناوری می‌تواند به ابزاری برای کاهش پاسخ‌گویی تبدیل شود. سازمان به خروجی سامانه استناد می‌کند و فرد متأثر از تصمیم، امکان شناسایی منشأ خطا را ندارد. این وضعیت در بلندمدت علاوه بر افزایش هزینه‌های اجتماعی، اعتماد به سازمان‌ها و خدمات دیجیتال را نیز تضعیف می‌کند. اصلاح این وضعیت به معنای محدودکردن استفاده از هوش مصنوعی نیست، بلکه به تعریف سازوکار حکمرانی متناسب با قدرت آن نیاز دارد. مسئولیت باید در تمام چرخه عمر سامانه، از تعریف مسئله و انتخاب داده تا طراحی، استقرار، پایش و اصلاح، مشخص باشد. سازمان بهره‌بردار باید بتواند مبنای تصمیم را توضیح دهد و امکان اعتراض و بازبینی انسانی را فراهم کند. شرکت توسعه‌دهنده نیز باید در قبال کیفیت فنی، محدودیت‌های شناخته‌شده و مخاطرات طراحی محصول خود پاسخ‌گو باشد. همچنین ارزیابی عملکرد این سامانه‌ها نباید به شاخص‌هایی مانند سرعت پردازش، دقت آماری و کاهش هزینه محدود شود. میزان خطا در گروه‌های مختلف، نحوه توزیع منافع و هزینه‌ها و تعداد تصمیم‌هایی که امکان بازبینی ندارند، بخشی از معیارهای سنجش کیفیت اقتصادی و اجتماعی آنهاست.

اقتصاد الگوریتمی به تدریج ساختار قدرت در سازمان‌ها و بازارها را تغییر می‌دهد. در این ساختار، ممکن است اختیار تصمیم‌سازی از انسان به ماشین منتقل شود، اما مسئولیت پیامدهای آن همچنان باید در قلمرو حکمرانی انسانی باقی بماند. مسئولیت مشترک میان بازیگران مختلف نیز نباید به مسئولیت مبهم و بدون صاحب تبدیل شود.

توسعه اقتصاد دیجیتال فقط به داده بیشتر، مدل‌های دقیق‌تر و زیرساخت محاسباتی قدرتمندتر نیاز ندارد؛ به سازوکاری نیاز دارد که میان قدرت تصمیم‌گیری و مسئولیت پیامدهای آن تناسب برقرار کند. الگوریتمی که منابع را تخصیص می‌دهد، فرصت‌ها را محدود می‌کند یا درباره دسترسی افراد به خدمات تصمیم می‌گیرد، بخشی از قدرت اقتصادی را در اختیار دارد و این قدرت باید قابل نظارت و پاسخ‌گویی باشد.

در اقتصاد الگوریتمی، مسئله فقط این نیست که چه کسی تصمیم می‌گیرد؛ مسئله این است که چه کسی هزینه تصمیم را می‌پردازد و چه کسی مسئولیت آن را می‌پذیرد.



گزارش «شرق» از آخرین جزئیات فاجعه تصادف اتوبوس کارکنان شرکت NGL در گفت‌وگو با خانواده‌های جان‌باختگان و مصدومان

۱۲ نفر هرگز به خانه نرسیدند

نیلوفر حامدی: قرار بود شب شنبه، ۳۰ کارگر و کارمند، پس از یک روز کاری دیگر به خانه‌هایشان در شهرستان آبدانان استان ایلام برگردند؛ به آغوش خانواده، به فرزندانی که منتظرشان بودند و به زندگی‌ای که برای گذرانش هر روز مسیر ۱۵۰کیلومتری دشت‌عباس تا آبدانان را طی می‌کردند. اما اتوبوس در میانه راه واژگون شد و ۱۲ نفر از آنها هرگز به خانه نرسیدند. حال سه نفر دیگر وخیم گزارش شده است و ۱۵ نفر دیگر هم در بیمارستان‌های مختلف استان بستری هستند. شرکتی که به روایت خانواده‌ها و همکاران این کارگران، با وجود آگاهی از دشواری و خطر رفت‌وآمد روزانه، برای اسکان نیروی انسانی خود اقدامی نکرده بود، با گذشت نزدیک به ۱۵ ساعت از حادثه، حتی یک تماس تلفنی هم با خانواده‌های داغدار نگرفته است. از محمد و موسی رحیمی، برادران جوانی که در این سانحه جانشان را باهم از دست دادند تا یک خانواده بزرگ را سیاه‌پوش کنند تا فریبرز هادی‌زاده، تک‌فرزندی که به گواه همکارانش، در اتوبوس به مادرش زنگ زده و گفته بود برایش شام خوبی درست کند، چون خیلی خسته و گرسنه است یا ایوب حسنوند، جوان ۳۸ساله‌ای که قرار بود روز یکشنبه (یک روز پس از تصادف) با حکم ریاست حسابداری در محل کارش غافلگیر شود و پاداش زحمات همه سال‌های اخیر زندگی‌اش را بگیرد، اما حالا پسر کلاس اولی خود را بدون پدر گذاشت؛ مرگ جوانانی از مورموری، سراب‌باغ، هفت‌چشمه، پشت‌قلعه، ژیور و آبدانان. این گزارش، قصه فاجعه‌ای جدید اما با محتوایی از تکرار مصیبت برای مردم و کاهلی مدیران است و در کنار سوگ خانواده‌ها، پرسش‌های جدی درباره شرایط کار، رفت‌وآمد روزانه و مسئولیت شرکتی مطرح است که به گفته خانواده‌ها و همکاران جان‌باختگان، حتی حاضر به تأمین خوابگاه برای کارکنانش نبود.

واژگونی این اتوبوس حامل کارکنان شرکت ان‌جی‌ال دهلران ساعت ۱۹:۲۵ شامگاه شنبه ۲۳ آبان رخ داد. موسی رحیمی، محمد رحیمی، سجاد نصراللهی، فریبرز هادی‌زاد، بهرام طهماسبی، لطف‌الله مرادی، نورمحمد تقی‌زاده، روح‌الله علیجانی، امین محمدولی، سعید غلامی و محمدرضا محمدی نام ۱۱ جان‌باخته این حادثه است که نام نفر دوازدهم هنوز اعلام نشده است. وضعیت سه نفر دیگر وخیم گزارش شده است. مهدی شعبانی، رئیس اورژانس دانشگاه علوم پزشکی ایلام، اعلام کرد: «شش مصدوم در بیمارستان آبدانان و ۹ مصدوم در بیمارستان گنجویان دزفول بستری‌اند و حال چند نفر از آنان وخیم است». تا به حال دستورات متعددی پیرامون پیگیری علت حادثه صادر شده است. از دادستان عمومی و انقلاب آبدانان که از آغاز پیگیری قضائی خبر داده و گفته ابعاد حادثه، عوامل مؤثر در وقوع آن و احتمال قصور یا تخلف اشخاص و دستگاه‌های مسئول در دست بررسی است. رئیس پلیس راه استان نیز علت واژگونی را در دست بررسی اعلام کرد. ریاست‌جمهوری هم دستور پیگیری ویژه صادر کرده است. از سوی دیگر، نماینده ولی فقیه در استان و استاندار ایلام در پی این حادثه یک روز در استان و دو روز در شهرستان آبدانان عزای عمومی اعلام کرد.

حتی یک مکان امن نداشتند

۳۰ مرد سالم و قبراق رفتند و ۱۲ نفر از آنها دیگر برنگشتند، در کنار آن سه نفری که وضعیت‌شان وخیم است، ۱۵ نفر دیگر هم با آسیب‌های مختلف در بیمارستان‌های گنجویان شهرستان دزفول، بیمارستان رسول اکرم آبدانان و یک مرکز درمانی در ایلام بستری هستند. «محمد کرمی»، کارگر آشپزخانه شرکت NGL که برخلاف تمام کارکنان بخش آشپزخانه‌های سازمان‌ها که پس از مدتی با افزایش وزن روبه‌رو می‌شوند، از شدت فشار کار نزدیک به ۱۵ کیلو در یک سال اخیر وزن از دست داده بود. او که حالا با شکستگی‌های کتف، جناغ، سینه، سر، گوش و اختلال در وضعیت تنفس در بیمارستان گنجویان بستری است، شانس آورد هنگام حادثه از پنجره اتوبوس به بیرون پرت شد. خواهرش فاطمه می‌گوید خدا به سه فرزند قد و نیم‌قدش رحم کرد: «برادرم متولد ۱۳۵۵ است و همه عمرش را سخت کار کرده. چند سال در شرکت پتروشیمی شیراز بود و این شش سال اخیر را هم در NGL دشت‌عباس در آشپزخانه کار می‌کرد. در این سال‌ها هم هروقت کاری را از دست می‌داد کارگری می‌کرد تا خرج زندگی را تأمین کند. با یک همسر و سه فرزند و اوضاع اقتصادی که همه درگیر آن هستیم، شرایط هیچ‌کسی ساده نیست، چه رسد به خانواده‌های کارگر. تابستان گذشته تمام بدنش تاول زده بود، آن‌قدر که در گرمای ۵۰ درجه آن آشپزخانه کار کرد. اگر دست‌هایش را ببینید باورتان نمی‌شود این مرد هنوز ۵۰ سالش هم نشده، آن‌قدر زخم در دستان خود جای داده است. هرکسی که در آشپزخانه کار می‌کند، به مرور زمان چاق می‌شود، برادر من اما در یک سال اخیر و از شدت فشار کار آن‌قدر نحیف و ضعیف شده بود که زود به زود مریض می‌شد. حالا برادر من کارگر است اما بیشتر این بچه‌های جوان ما تحصیل‌کرده بودند. دانشجوی دکتری بین اینها بود».

فاطمه کرمی تعریف می‌کند فشار کاری و تردد هر روزه در جاده همیشه یک خطر بزرگ برای خانواده کارکنان این شرکت بوده است: «برادرم پنج صبح بیدار می‌شد تا سرویس برسد و تا شب هم کار می‌کردند. ساعت هفت شب به سمت خانه برمی‌گشتند و تا برسند هم ساعت نزدیک به ۱۰ شب بود. در واقع فقط فرصت داشتند یک وعده غذا بخورند و حدود شش ساعت در بهترین حالت ممکن بخوابند. هرچه می‌گفتند یک خوابگاه برایشان در نظر بگیرند، مسئولان شرکت توجهی نمی‌کردند. حتی خانواده‌ها خواسته بودند کانکسی در اختیارشان قرار دهند، اما حتی زیر بار همین کار نرفتند. این همه جوان زبده، تحصیل‌کرده و باتجربه را به کار می‌گرفتند، اما حاضر نشدند یک جای امن برایشان تأمین کنند که نتیجه‌اش هم این فاجعه شد».

حقوق محمد کرمی برای ۲۱ روز کار در ماه، ۵۰ میلیون تومان بود که هیچ‌وقت کفاف هزینه‌های یک خانواده پنج‌نفره را نمی‌داد. حالا هم روشن نیست کی بتواند دوباره به زندگی عادی برگردد: «همه مسافران این اتوبوس ساکنان آبدانان و روستاهای اطرافش بودند که به خاطر نبودن فرصت کاری مجبور بودند چنین شغل سختی را با تردد چندین ساعته روزانه تحمل کنند. آبدانان بین دو کوه است و هیچ‌کسی به فکر اینکه فضای شغلی برای مردمش ایجاد کند نیست. بچه‌های ما هم اکثرا بعد از تحصیلات از آبدانان خارج می‌شوند و تعداد بسیار کمی از آنها اینجا می‌مانند. چون فرصتی برای پیشرفت برایشان وجود ندارد و زندگی‌شان هم که می‌بینید این‌طور به‌راحتی و وقتی هنوز جوان هستند می‌تواند به پایان برسد».

همسر دخترعمه محمد کرمی و برادرش نیز از کشته‌های این حادثه هستند. محمد و موسی رحیمی که کمتر از ۴۵ سال سن داشتند، در این حادثه از دست رفتند و خانواده بزرگی را داغدار کردند. فاطمه می‌گوید اعضای خانواده امکان گفت‌وگو ندارند و آن‌قدر شرایط همه بغرنج است که نمی‌داند چه بلایی سر دخترعمه‌اش می‌آید: «فاجعه به این بزرگی رخ داده و ما الان ساعت‌هاست در بیمارستانیم. چندین خانواده عزادار شده‌اند و امکان دارد تعداد کشته‌ها باز هم افزایش یابد اما هنوز حتی یک نفر از شرکت با ما تماس نگرفته تا ابراز همدردی کند. همه تعریف می‌کنند در موقعیت حادثه، آمبولانس هم به اندازه کافی وجود نداشته و برخی خانواده‌ها عزیزشان را با خودروی شخصی به نزدیک‌ترین مرکز درمانی رسانده‌اند. ایوب حسنوند، یکی از کشته‌شدگان این حادثه است. می‌گویند آن‌قدر شدید آسیب دیده و سر و صورت جوان ۳۸ساله از بین رفته بود که مادرش از چشم‌های فرزندش توانست او را شناسایی کند».

قرار بود «ایوب» ترفیع بگیرد

«رضا احمدی»، دایی ایوب حسنوند، با وجود اینکه درگیر مراسم ختم خواهرزاده جوانش بود، چند جمله‌ای به «شرق» می‌گوید تا «نام پسر جوانشان فراموش نشود». آقای احمدی توضیح می‌دهد قرار بود دیروز یعنی یکشنبه حکم ریاست حسابداری را به خواهرزاده‌اش بدهند: «خواهرزاده من جوان برازنده‌ای بود. در کنکور سراسری قبول شد و مدرک کارشناسی ارشد حسابداری داشت. پنج سال می‌شد در شرکت NGL کار می‌کرد و همین یکشنبه یعنی فردای روز تصادف قرار بود حکم ریاست حسابداری بخش را به او بدهند و سورپرایزش کنند که این بلا سر ما آمد». ایوب یک پسر دارد که همین امسال به کلاس اول رفته است: «نوه خوب خانواده ما بود و همه سرش قسم می‌خوردند. همه این سال‌ها زحمت کشیده بود و تازه داشت نتیجه زحماتش را می‌دید. یک بچه هفت‌ساله هم دارد که همین امسال به کلاس اول رفت. حالا ما مانده‌ایم و این داغ بزرگ بر دلمان».

فاصله ۱۵۰کیلومتری شرکت و خانه

حجت‌اله مرادخانی، پژوهشگر صنایع دستی و مدرس دانشگاه از اهالی آبدانان است که اگرچه چند سالی است از شهر خود به پایتخت مهاجرت کرده، این روزها را در شهر مادری حضور دارد. او در گفت‌وگو با «شرق» توضیح می‌دهد وضعیتی که شرکت NGL برای نحوه استفاده از نیروهایش به کار گرفته بود به نوعی بود که اساسا بستر وقوع این تراژدی وجود داشت: «درست است که این حادثه شنبه شب رخ داد، اما می‌توانست هفته پیش، سال پیش یا یک ماه دیگر رخ دهد. حدود ۸۰ نفر از اهالی آبدانان و روستاهای اطراف آن جزء پرسنل شرکت NGL دشت عباس هستند. حدود ۱۵۰ کیلومتر هم بین شرکت و محل زندگی کارکنان فاصله وجود داشته است. با وجود این شرکت و مدیرانش تصمیم می‌گیرند خوابگاه و محل اسکانی برای نیروی انسانی خود در نظر نگیرند و زیر بار چنین هزینه‌ای نروند و این همه نیرو را روزانه تحت خطر و ریسکی قرار دهند که حالا نتیجه‌اش را می‌بینید. ماهیت قرارداد این افراد هم به نوعی بود که کارکنان بخش بهره‌برداری هر سه ماه یک‌بار و کارکنان بخش راه‌اندازی، هر ماه قراردادشان تمدید می‌شد. فقدان امنیت شغلی شرایطی ایجاب کرده بود که عملا این افراد هم راهی جز تحمل وضع موجود نداشتند». او ادامه می‌دهد: «۳۵ هزار تومان حق صبحانه به نیروهای خود می‌دادند و با اینکه هفته گذشته هم اعتصابی در شرکت انجام شده بود، اما مدیران گفته بودند هرکسی مشکلی دارد برود. آن هم در منطقه‌ای که اساسا کار نیست».

به گفته مرادخانی انسان‌هایی که جانشان را در این حادثه تلخ از دست داده‌اند، هم عزیز کسی و عضوی از یک خانواده بودند و هم اینکه سرمایه انسانی این کشور محسوب می‌شدند: «بیشتر این بچه‌ها تحصیلات عالی داشتند. تجربه کاری بی‌نظیری را با خود حمل می‌کردند که توانسته بودند در این سال‌ها مدیر تأسیسات، مدیر خط تولید یا مدیر برق مجموعه شوند. سرمایه انسانی که در همه جای دنیا جزء حلقه خلق ارزش محسوب می‌شود و از مهم‌ترین بنیان‌های توسعه پایدار هر کشوری است و اسناد جهانی هم به شدت روی آن تأکید دارد. اما شما می‌بینید اهمال و بی‌توجهی یک یا چند مدیر چنین مصیبتی خلق می‌کند. بهترین فرزندان این سرزمین جانشان از بین می‌رود، آن وقت برادر مدیر بدون هیچ دانش، تحصیلات یا تجربه‌ای، به مدیریت نظارت برق کل NGL منصوب می‌شود».

این مدرس دانشگاه با تأکید بر اینکه پیشاپیش نباید موضوع اتوبوس و راننده را مقصر اصلی جلوه داد و از قصور آدم‌های بزرگ‌تر چشم‌پوشی کرد، می‌گوید: «همین حالا که هنوز چیزی روشن نیست، چند جایی دیده‌ام که می‌گویند تقصیر راننده بوده است. نورمحمد صفا، راننده این اتوبوس از رانندگان خوش‌نام و بااخلاق آبدانان است که همه کارکنان می‌گفتند آن‌قدر خیالمان از رانندگی او راحت است که در مسیر به‌راحتی به خواب عمیق فرومی‌رویم. خودش هم به‌شدت تحت فشار کاری بوده و در ماه‌های اخیر، سه مرتبه مسیر شرکت به آبدانان را در روزهای جمعه طی می‌کرد، بدون اینکه پول بیشتری دریافت کند. پس نباید این فاجعه بزرگ را فقط به یک راننده و خودرو تقلیل دهند».

مرادخانی می‌گوید: «رفتار شرکت NGL با کارکنانش در حالی بوده که این شرکت در ماه‌های پس از جنگ افزایش درآمد چشم‌گیری هم داشته است: «شرکت NGL گازش را به شرکت پتروشیمی ماهشهر منتقل می‌کرد. پس از جنگ و آسیب به پتروشیمی ماهشهر، گاز NGL مستقیم به پاکستان صادر می‌شد. با افزایش چشمگیر قیمت ارز در ماه‌های اخیر، درآمد و سود شرکت NGL هم تا ماهانه پنج هزار میلیارد رسیده بود. اما از تمام این پول یک خوابگاه یا حتی کانکس اسکان هم به کارکنان این شرکت نرسیده بود».



خبرخوان

هشدار رئیس انجمن علمی باروری و ناباروری کشور:
چالش سه میلیون زوج نابارور و محدودیت منابع وزارت بهداشت

شرق: بیست‌وچهارمین کنگره بین‌المللی «انجمن علمی باروری و ناباروری ایران» از ۲۰ تا ۲۲ آبان‌ماه در مرکز همایش‌های ابوریحان دانشگاه شهید بهشتی برگزار شد. حمید چوبینه، رئیس کنگره بین‌المللی، رئیس انجمن علمی باروری و ناباروری و استاد تمام دانشگاه علوم پزشکی تهران، در ابتدای مراسم ضمن خیرمقدم به میهمانان و استادان، از حضور و همراهی دکتر شاهین آخوندزاده، معاون تحقیقات و فناوری وزارت بهداشت و رئیس مؤسسه ملی توسعه تحقیقات علوم پزشکی ایران و دکتر مرضیه وحید دستجردی، دبیر ستاد ملی جمعیت، ابراز خوشحالی کرد. چوبینه در ادامه با اشاره به بحران ناباروری و کاهش جمعیت، این مسئله را یک چالش فراگیر جهانی دانست و گفت: «کاهش رشد جمعیت صرفا به کشورهای پیشرفته یا جهان سوم محدود نمی‌شود، بلکه حاصل تغییر سبک زندگی و الگوهای اجتماعی در دنیاست. با این حال، بررسی آمارها نشان می‌دهد آهنگ کاهش رشد جمعیت در کشور ما به مراتب بیشتر و سریع‌تر از میانگین جهانی است». رئیس انجمن علمی باروری و ناباروری با بیان اینکه مسائل اقتصادی تنها عامل این بحران نیستند، افزود: «اگر صرفا مشکلات اقتصادی عامل اصلی بود، نباید در کشورهایی نظیر آلمان، ایتالیا و ژاپن که از شاخص‌های رفاهی بالایی برخوردارند، شاهد نرخ‌های پایین جمعیتی می‌بودیم؛ بنابراین با یک بحران فرهنگی، هویتی و جمعیتی روبه‌رو هستیم که تمایل جوانان به تجرد یا گریز از فرزندآوری را رقم زده است». چوبینه با اشاره به بهبود دسترسی مردم به مراکز درمان ناباروری در سراسر کشور، به آمار تولدهای حاصل از درمان اشاره کرد و گفت: «بر اساس گزارش‌های معاونت وزارت بهداشت، سهم ما در درمان ناباروری حدود ۱۰ تا ۱۵ هزار تولد در سال است. هرچند تولد هر کودک به معنای نجات یک خانواده، ایجاد امید و رویش دوباره است، وقتی در برابر این آمار، از وجود حدود سه میلیون زوج نابارور در کشور سخن می‌گوییم، رسالت سنگین‌تری بر دوش خود احساس می‌کنیم». او با قدردانی از دغدغه‌های رهبر شهید معظم انقلاب اسلامی، در حوزه افزایش موالید و پایداری جمعیت، ادامه داد: «بار این مسئولیت خطیر فقط بر دوش وزارت بهداشت نیست. دکتر مرضیه وحید دستجردی و مدیران ارشد نظام سلامت تلاش‌های ارزنده‌ای برای بهبود خدمات انجام داده‌اند اما دست‌شان تنهاست؛ متأسفانه از نظر منابع، اعتبارات و امکانات، آن‌گونه که شایسته است از سوی دولت و مجموعه حاکمیت برای این امر مهم وقت گذاشته نشده است». رئیس کنگره در پایان ابراز امیدواری کرد دستاوردهای علمی و راهبردهای مطرح‌شده در این کنگره سه‌روزه، بتواند یاریگر سیاست‌گذاران کشور در مهار و کم‌رنگ‌سازی این بحران ملی باشد. همچنین او از تلاش‌های اعضای هیئت‌مدیره انجمن از جمله دکتر معینی، دکتر سالار، دکتر پارسانژاد (دبیر علمی کنگره)، دکتر نوروزی (دبیر اجرایی)، دکتر شاهدی، دکتر نریمانی، دکتر پیوندی (بازرس انجمن) و دکتر امام‌زاده و تیم اجرایی به دلیل همراهی در شرایط خاص کشور، قدردانی کرد.

افزایش ۶درصدی بیماران قلبی در روزهای آلوده

بنا بر اعلام سخنگوی سازمان اورژانس استان تهران، تعداد بیماران قلبی از ۲۵۱ مورد در روز ۱۶ آبان، به ۲۶۷ مورد در ۲۳ آبان رسید. این مسئله نشان‌دهنده افزایش درصدی بیماران قلبی است. شروین تبریزی در صفحه شخصی خود در فضای مجازی، نوشت: «با افزایش میزان آلاینده‌های جوی در روزهای اخیر در تهران، شاهد افزایش تعداد بیماران تنفسی و قلبی هستیم». او افزود: «در این میان تعداد بیماران تنفسی از ۶۶ مورد در ۱۶ آبان به ۹۰ مورد در روز ۲۳ آبان رسید و این مسئله نیز نشان‌دهنده رشد ۳۶درصدی این بیماران است».